

گفت‌وگوی صبا با فرامرز قریبیان و کامبیز روشن‌روان درباره فیلم سینمایی «سفیر»

سینما هرگز نمی‌میرد



سینه خاتونی / نیره رضایی مطلق
گفت و گو

این روزها به بهانه روز ملی سینما حال و هوای دیگری بر جامعه سینمایی حاکم است. همه از سینما و تلخی‌ها و شیرینی‌های آن می‌گویند و رییس جوان سازمان سینمایی هم معتقد است در این مسیر پر فراز و نشیب متوقف نشده و نمی‌شویم. اما در میان همه‌ری‌اکشن‌های اهالی سینما روزنامه صبا تصمیم گرفت بهانه پخش نسخه اصلاح شده فیلم شاخص «سفیر» را که دور روز گذشته در سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درآمد با روز ملی سینما گره بزند و به سراغ فرامرز قریبیان باز یگر فیلم سفیر برود. اما سفیر با تمام ویژگی‌هایی که در یک زمینه نیز کاملاً استثناست و آن موسیقی‌اش است که چنان تأثیری روی مخاطب می‌گذارد که نادیده گرفتنش بخش زیادی از ارزش فیلم را از چشم می‌اندازد. بنابراین گفت‌وگو با باز یگر پیشکسوت و محبوب چند نسل سینمای ایران و کامبیز روشن‌روان آهنگساز فیلم سفیر برای ایجاد این حس نوستالژیک به گفت‌وگوی این شماره روزنامه صبا قوام بیشتری داد که در ادامه می‌خوانید.

فرامرز قریبیان:

بین دوراهی مانده بودم...

فیلم سفیر یک تجربه ناب و ماندگار از گذشته در قاب سینمای ایران است، که همچنان پس از این همه سال به عنوان یک فیلم ماندگار با مضمون واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) از آن یاد می‌شود. لطفاً به عنوان باز یگر نقش اول این فیلم بفرمائید سفیر چگونه شکل گرفت؟

سال‌هاست که من با مطبوعات صحبت نمی‌کنم، اما موضوع فیلم سفیر و صحبت درباره این اثر فاخر، مرا تحت تأثیر قرار داد. راستش انتخاب من برای بازی در فیلم «سفیر» در آن روزها با چالش خاصی همراه بود. در آن زمان حدود ۳ سال بود که سینما تعطیل بود و در تولد دوباره سینما، دو پیشنهاد مهم به من شد، که اتفاقاً برای هر دو هم قرار داد بستم، اولی فیلم سینمایی «خط قرمز» به کارگردانی مسعود کیمیایی و دومی فیلم سینمایی «سفیر» به کارگردانی فریبرز صالح بود، که درون مایه مذهبی و حماسی داشت. حس من در آن روزها بر این بود که شاید فیلم خط قرمز پروانه ساخت نگیرد. البته قرار نبود ساخت این دو فیلم همزمان باشد، اما به خاطر مصائب جنگ این اتفاق افتاد. قبل از جنگ تمام دکورهای فیلم سفیر در شهر خرمشهر ساخته شد و قرار بود در تابستان همان سال تولید آن شروع شود. از طرفی ساخت فیلم خط قرمز هم در پاییز همان سال برنامه ریزی شده بود، منتها متأسفانه به خاطر حمله عراق به خرمشهر و از بین رفتن دکورهای فیلم، تولید فیلم سفیر با اختلال مواجه و ساخت آن عقب افتاد و به همین خاطر فیلم‌برداری هر دو فیلم همزمان شد و من ماندم سر این دوراهی که در کدام یک از فیلم‌ها حضور داشته باشم! و انتخاب نهایی من بازی در فیلم سفیر شد. چرا که معتقد بودم این فیلم با توجه به شرایط حاکم بر ایران مناسب‌تر است و قطعاً پروانه نمایش خواهد گرفت، همان طور که معتقد بودم فیلم خط قرمز برای اخذ پروانه نمایش ممکن است با مشکلاتی مواجه شود.

هم اکنون فریبرز صالح کارگردان این اثر ماندگار، در میان ما نیست، هر چند اثرشان جاودانه‌تر از هر نفسی، حس می‌شود. لطفاً برای ما از همکاری و تعامل خود با این هنرمند بزرگوار بگویید؟

فریبرز صالح علاوه بر کارگردانی، دوبلور بسیار قهاری بود. او در زمان حیات خود به دلیل وسواس‌ها و حساسیت‌های خاصی که داشت تنها چندین فیلم ساخت که دو اثر «مرگ پلنگ» و «سفیر» به نویسندگی و کارگردانی خودش بود، که من در هر دو فیلم او افتخار حضور داشتم. فریبرز به دلیل آنکه می‌خواست بهترین چیزی را که در ذهن داشت به تصویر بکشد معمولاً فیلم‌برداری کارهایش طول می‌کشید و همین دلیل گزیده کاری او بود، برای او کیفیت بیش از اندازه مهم بود. به همین دلیل فیلم‌بردای آثارش طولانی می‌شد و گاهی تهیه‌کنندگان مایل به همکاری با او نبودند. معمولاً تهیه‌کنندگان رسم‌شان بر این است که یک‌الی دو ماه بیشتر برای ساخت فیلم زمان صرف نکنند، که این مغایر با سلیقه فریبرز صالح بود. حضور درخشان آقای کامبیز روشن‌روان هم بسیار در این فیلم موثر بود، از نظر من، روشن‌روان یکی از بهترین و منطبق‌ترین موسیقی‌های متن در تاریخ سینمای ایران را در این فیلم خلق و اجرا کرد.

امروز که با شما صحبت می‌کنم مصادف است با روز ملی سینما در کشور، دوست دارم بدانم چرا تجربه‌های ماندگاری مانند فیلم سفیر و یا روز واقعه که هر دو با مضمون عاشورا و حماسه گره خورده‌اند در قاب سینمای ایران تکرار نشدند...

به این خاطر که این ژانر و این سبک فیلم‌ها در دسته فیلم‌های تاریخی قرار می‌گیرند و اصولاً در همه جای دنیا ساخت فیلم تاریخی مستلزم هزینه و زحمات زیادی است به همین خاطر معمولاً تهیه‌کنندگان راغب به کاری نیستند که با وجود سرمایه‌گذاری هنگفت، ندانند سرانجام آن چه خواهد

نیستند، به همین خاطر در این روز که به نام روز سینماست ثبت شده، از همه هنرمندان در سینمای قبل از انقلاب و بعد از انقلاب که این هنر مانا را در میان نسل‌ها حفظ کردند، یاد می‌کنم و لحظه‌های درخشانی را که ثبت کرده‌اند پاس می‌دارم.

کامبیز روشن‌روان:

دهه شصت دوران طلایی آهنگسازی در ایران

چطور شد که پیشنهاد ساخت موسیقی برای این فیلم را پذیرفتید؟

فیلم را که دیدم هم خوش ساخت بود و هم دوست داشتم برای آن موسیقی بسازم. با توجه به اینکه آقای صالح دقیقاً می‌دانست از من چه می‌خواهد و چه نوع موسیقی‌ای برای چه قسمت‌هایی در نظر گرفته کار خیلی زود شروع شد و من با علاقه‌مندی موسیقی را ساختم. اشتیاق و صمیمیت رفتار فریبرز صالح من را بر آن داشت تا من هم وقت کافی و تمام توانم را برای این کار بگذارم و خوشبختانه کار به خوبی انجام شد. به اعتقاد خودم و به تأیید دوستان نوازنده‌موسیقی این فیلم یکی از بهترین موسیقی‌متن‌هایی است که بعد از انقلاب به لحاظ قدرت موسیقی کار شده و ارکسترسیون‌اش و هارمونی و اجرایی که توسط نوازندگان ما داشته همچنان بی‌نظیر است.

کار را کجا ضبط کردید؟

در استودیو صبا ضبط شد و قاسم عابدی هم صدابرداری آن را برعهده داشت.

کدام یلان فیلم روی شما تأثیر بیشتری داشت و در کل نقطه عطف‌هایی که به یادتان مانده است کدام است؟

برای من تمام فیلم همین جور بود. باید قبول کنیم که موسیقی فیلم

شد؟ سینما حرفه‌ایست که باید سرمایه‌گذاری در آن با امنیت بازدهی قرین باشد. با وجود اتفاقاتی چون عدم بازگشت سرمایه، ساخت این فیلم‌ها که با ریسک بالاتری همراه است کمتر می‌شود. این مسئله درباره فیلم‌های جنگی هم صادق است. معتقدم که در روزهایی که سر می‌بریم که فیلم‌های جنگی خوبی نیز ساخته نمی‌شود.

جناب قریبیان از خودتان بگویید، مخاطبان علاقه‌مند دوست دارند بدانند که هنر پیشه محبوب و قدیمی‌شان این روزها را چطور می‌گذرانند؟

به نوعی دوران بازنشستگی را تجربه می‌کنم، نه اینکه با سینما خداحافظی کرده باشم. مسائلی که سینما در دوران اخیر با آن مواجه شد، مرا به این سمت سوق داد که به دوران سکوت و بازنشستگی سلام کنم.

تجربه و قدمت حضور شما در سینمای ایران بر هیچ کس پوشیده نیست، با این وصف از نگاه شما سینمای کنونی ایران چه روزهایی را می‌گذرانند؟

باید صادقانه بگویم که این روزهای سینمای ایران را دنبال نمی‌کنم، اما بر حسب شنیده‌ها، فیلم‌های خوبی در این روزها ساخته نمی‌شوند و اگر فیلم خوبی هم باشد، تعدادش اندک است. در صورتی که در گذشته تعداد فیلم‌های خوب بیشتر بود. بهر حال این اتفاقی است که گریبانگیر سینمای امروز ما شده است اما با وجود همه این‌ها، باور دارم که سینما هرگز نمی‌میرد، سینما همیشه زنده است و می‌آید روزهایی که فیلم‌های بهتر دوباره و دوباره در این قاب متولد و ادامه می‌یابند.

حرف آخر...

متأسفانه بیشتر خالقان و پدیدآورندگان فیلم سفیر، همچون فریبرز صالح، جلال پیشواییان، عزت‌الله مقبلی، کاظم آفرندنیا، محمد تقی کهنمویی و حتی تدوینگر فیلم مرحوم ایرج گل‌افشان دیگر در میان ما